تاریخ هنر

سده‌ی هفدهم

مادلین و رولَند مینستون
ترجمه‌ی حسن افشار

نشر مرکز

www.ketab.ir

History of Art - The Seventeenth Century
Madeleine & Rowland Mainstone

تاریخ هنر ـ سده‌ی هفدهم
از مجموعه‌ی هشت جلدی تاریخ هنر
مادلین و رولند مینستون
ترجمه‌ی حسن افشار
ویرایش تحریریه‌ی نشرمرکز
طرح جلد از ابراهیم حقیقی
چاپ اول ۱۳۸۶، شماره‌ی نشر ۶۷۰/۴، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ مبینا
شابک: ۴-۷۹۵-۳۰۵-۹۶۴-۹۷۸
شابک دوره: ۳-۸۵۹-۳۰۵-۹۶۴-۹۷۸

نشرمرکز، تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱ تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹
Email:info@nashr-e-markaz.com

حق چاپ و نشر برای نشرمرکز محفوظ است

مینستون، مادلین Mainstone, Madeleine
تاریخ هنر سده‌ی هفدهم/مادلین و رولند مینستون؛ ترجمه‌ی حسن افشار. ـ تهران: نشرمرکز، ۱۳۸۵.
ده، ۱۱۰ ص.: مصور. ـ (نشرمرکز؛ شماره‌ی نشر ۶۷۰/۴)
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
ISBN: 978-964-305-795-4
شابک دوره: 978-964-305-859-3
عنوان اصلی: The Seventeenth Century.
۱. هنر باروک. ۲. کلاسیسیسم در هنر. ۳. تمدن جدید ـ قرن ۱۷. الف. مینستون، رولند، ۱۹۲۲ ـ م. Mainstone, Rowland J. ب. افشار، حسن، ۱۳۳۲ ـ . مترجم. ج. عنوان.
۹ م ۲ ب / N ۶۴۱۵ ۷۰۹/۰۳۲
کتابخانه ملی ایران ۸۳ - ۲۷۵۸۲م

www.ketab.ir

فهرست

پیشگفتار ..... هفت

دیباچه ۱

رم در اوایل قرن هفدهم: پیروزی کلیسا ۲

از هنر رنسانس تا هنر باروک: نقاشی ۴

پیکرتراشی و معماری ۸

۱ پیکرتراشی: حرکت پویا و بدن مرمرین ۱۵

گروه‌پیکره‌های اساطیری ۱۵

گورهای پاپها ۱۸

سردیسها ۲۰

بالداکین سان پی‌یترو و صندلی پطرس حواری ۲۱

۲ نقاشی: نمایش واقعیت با نور ۲۴

کاراوادجو ۲۴

پیروان کاراوادجو در فلاندر و هلند ۲۸

آثار مذهبی رامبراند ۳۰

۳ نقاشی: رنگ و شور فلاندری ۳۸

روبنس و هنر ایتالیا ۳۸

آثار مذهبی روبنس ۴۰

خوش‌بینی فراگیر ۴۳

رنگ فلاندری و هلندی در نقاشی گل ۴۶

۴ نقاشی: شور در کف خرد ۴۹

آنیباله کاراچی و گلهایش ۴۹

www.ketab.ir

پوسَن ۵۲
هنر در دربار لوئی چهاردهم ۵۴
۵ **نقاشی: چهره‌های باروک** ۵۸
چهره‌های درباری روبنس و وان دایک ۵۹
تکچهره‌های دربار فرانسه ۶۲
گروه‌چهره‌های بورگرهای هلندی ۶۳
پرده‌برداری رامبراند از روح انسان ۶۷
ولاسکز ۷۱
۶ **نقاشی: منظره، شهر، داخلی** ۷۴
منظره‌های فلاندری: خیز بلند روبنس ۷۵
منظره‌های هلندی: سیمای سرزمین ۷۶
منظره‌های کلاسیک: کامپانیای رم ۷۹
منظره‌های شهری هلندی: دلفتِ ورمیر ۸۰
نقاشی از فضاهای داخلی در هلند ۸۱
۷ **معماری و اتحاد هنرها** ۸۵
طرح فاخر ۸۵
نمای کلیساهای رم ۸۹
راههای تازهٔ فضاسازی ۹۱
لمس آسمان در نقاشی سقفها ۹۴
معماری باروک در خارج از ایتالیا ۹۶
شرح حال هنرمندان ۱۰۱
واژه‌نامه ۱۰۵
منابع مطالعه ۱۰۷
نمایه ۱۰۸

www.ketab.ir

پیشگفتار

هنر قرن هفدهم بسیار دیدنی دارد که پیشکش چشمان مشتاق کند. شاهکارهای فراوان در نقاشی و پیکرتراشی و معماری. هنرمندان قصه‌ها را زیبا می‌گفتند و در انگیزش عواطف و نمایش خصایل و انتقال خلقیات بسیار ورزیده بودند. هر هنرمند قصه‌ای را به گونه‌ای می‌گفت و در چهره یا منظره‌ای که می‌ساخت چیزی متفاوت می‌دید. اما چنان صریح با بینندهٔ اثرش سخن می‌گفت که اکنون اثرش را چون کتابی می‌توان خواند.

شاید بهترین رویکرد ما، اگر بار نخست است که با این هنر روبرو می‌شویم، این باشد که بگذاریم به همین سان صریح با ما سخن بگوید. گزینش تصویرها در کتاب حاضر دقیقاً به همین منظور بوده است، یعنی شنیدن سخن اثر تا جایی که بدون دیدن خود نقاشی یا پیکره یا ساختمان ممکن باشد. البته اگر فرصتی پیش آمد که اصل اثر را ببینیم نباید از دستش بدهیم. ایستاده در برابر نقاشی، می‌توان کوشید تا پی برد که موضوع آن چیست، آدمهای درون آن به چه کاری سرگرم‌اند، و اصولاً برای چه در آن‌جا حضور دارند. در مقابل یا داخل ساختمان، می‌توان پرسید که چه تأثیری بر ما می‌گذارد و چگونه این تأثیر را بر جای می‌گذارد. صِرف این کوشش و پرسش ــ حتی با کمک عکسهای کتاب ــ می‌تواند هیجان‌انگیز باشد و نشان دهد که اثر، پس از گذشت سیصد سال یا بیشتر از زمان آفرینش آن، هنوز تا چه اندازه صریح با ما سخن می‌گوید.

خواندن اثر هنری چندان تفاوتی با خواندن کتاب یا شعر ندارد. هنری است که با تمرین در آن ورزیده می‌شویم و چون از زبان و نیت هنرمند آگاه شویم برایمان آسان‌تر می‌شود. کتاب حاضر بدین منظور به نگارش درآمده که

www.ketab.ir

خواننده را با این هنر آشنا کند. از این رو شرح خواهد داد که هنرمند در چه فضایی کار کرده، چه انتظاری از او می‌رفته، و خود به دنبال چه بوده است. نیز خواهیم دید که برخی از جلوه‌های آثارش را چگونه به دست می‌آورد و خواهیم آموخت که ویژگیهای آثار مختلف را چگونه شناسایی کنیم.

هر فصل یکی از موضوعات مهم در هنر قرن هفدهم را بررسی می‌کند، همچون چگونگی پیدایش این هنر در نتیجهٔ تحول هنر سدهٔ پیشین، جستجوی واقعگرایی نمایشی، رنگ و حرکت، رویکرد خوددارانه‌تر هنرمندان دیگر، چهره‌سازیهایی که شناخت بی‌مانندی از عادات و خلقیات مردم آن روزگار به دست می‌دهند، و نگاههای گوناگون به منظره‌ها و محیط زندگی روزمره. پس از مروری بر تصاویر کتاب، چنانچه مایل باشیم می‌توانیم مستقیم به سراغ موضوع‌هایی ـ یا حتی بحثهای راجع به آثاری ـ برویم که بیشتر مورد علاقهٔ ماست. آنگاه کل کتاب را بخوانیم تا شناخت متوازن‌تری از دستاوردهای قرن پیدا کنیم. شرح اصطلاحاتی را که ممکن است برای خواننده ناآشنا باشند با توضیحاتی دربارهٔ هنرمندان بزرگ در پایان کتاب آورده‌ایم.

اثر حاضر تنها یک درآمد است؛ لذا فهرستی از منابع برای مطالعهٔ بیشتر نیز در انتها آمده است. در نگارش کتاب، مادلین مینستون امیدوار بود خواننده‌اش را در شور و شوقی که خود نسبت به هنر باشکوه این قرن داشت سهیم کند ـ چنان که شنوندگانش را هنگامی که مسئول آموزش در «موزهٔ ویکتوریا و آلبرت» بود سهیم می‌کرد. افسوس که زمانی کتاب را آغاز کرد که می‌دانست قربانی سرطان است؛ و چشم فروبست پیش از آن که کتاب به پایان رسیده باشد، اما نه پیش از این که توضیحات دلانگیز و پرمایهٔ بسیاری از نقاشیها و پیکره‌ها را نوشته باشد. بسیاری از شرحهای آثار در فصلهای ۲ و ۳ و غالب شرحها در فصلهای ۴ تا ۷ از اوست. پر کردن خلأها، ترسیم بسترهای آثار، و نگارش فصل آخر و بخش اعظم دیباچه بر عهدهٔ من قرار گرفت؛ و من کوشیدم که کار را با همان روحیه به انجام رسانم تا ادای دینی باشد به زنی که عمری را با من به شراکت گذاشت و فراوان از هر نظر به او وامدارم. اما از دو عزیز دیگر نیز باید نام ببرم: آن بوید از انتشارات دانشگاه کمبریج که تألیف

www.ketab.ir

پیشگفتار

این مجموعه فکر او بود و پاتریشیا هرفورد که از دوستان خانوادگی من است. تردید ندارم که مادلین نیز مایل است من از جانب او برای تشویقهای مدام و کمکهای پیوستهٔ آنها از ایشان سپاسگزاری کنم. مایلم امتنان قلبی خود را نیز از بابت ادامهٔ حمایتهای بی‌دریغ ایشان بر آن بیفزایم، امتنانی که بدون آن نمی‌پذیرفتم من کنندهٔ اصلی کار شناخته شوم.

رولند مینستون

سنت آلبانز، آوریل ۱۹۸۰

www.ketab.ir

www.ketab.ir

چند کوته‌نوشت

ح	حدود
م	میلادی
م م	میلی‌متر
س م	سانتی‌متر

دیباچه

سدهٔ هفدهم شاهد جوشش هنری حیرت‌آوری بود. عصر غولهایی بود به عظمت برنینی و روبنس، کلود و پوسن، رامبراند و ولاسکز، و استادان بسیار دیگری به همان بزرگی، ولو کمتر نامی از آنها تا به امروز مانده باشد. عصر خودباوری و خوش‌بینی بود، دست کم در کانونهایی که بیشترین ثمرات را به بار آوردند. سفارش‌دهندگان و هنرمندان در مقیاسهای بزرگ می‌اندیشیدند و عمل می‌کردند. چندان اثری از ترسی که گاهی ما امروزه از توسل مستقیم به عواطف بیننده در خود احساس می‌کنیم نبود.

هنر این دوره را معمولاً «باروک» می‌نامند، هرچند هنر همگنی نبود. هر هنرمند بزرگی سبک خود را داشت و تفاوتهای سبکهای فردی در تفاوتهای کلی‌تری میان هنرهای کشورهای مختلف بازتاب می‌یافت ـ مثلاً بین هنر رم در اوایل قرن و هنر جدیدتر فرانسه یا هلند. ولی هنرمندان فرانسه و هلند و نقاط دیگر با هنرمندان رم تماس داشتند و همگی عمیقاً به هنر رنسانس و هنر روم باستان علاقه‌مند بودند. پس تشابه‌های مهمی نیز به وجود می‌آمد.

هنر باروک در رم آغاز شد ـ چنان که هنر «رنسانس» در فلورانس نطفه بسته بود ـ و نخست کمر به خدمت کلیسای کاتولیک و امرای ثروتمند کلیسا بست. پس از آن که دیدیم این اتفاق چگونه افتاد، می‌توانیم برخی از خود آثار را با پیشینیانشان مقایسه کنیم. بدین سان تصوری مقدماتی از ویژگیهای نوعی هنر باروک به دست خواهیم آورد. آنگاه به تفاوتهای سبکی‌ای که در این قرن پدید آمد خواهیم پرداخت.

www.ketab.ir

رم در اوایل قرن هفدهم: پیروزی کلیسا

در سالهای بلافاصله پس از ۱۵۲۷ کمتر کسی ممکن است امید بسته باشد به این که روزی از نو رم پایتخت هنری جهان غرب گردد یا کلیسای کاتولیک و دستگاه پاپی بانی این تجدید حیات شوند. در سال ۱۵۲۷ رم میدان تاخت‌وتاز سپاه بزرگی از مزدوران چپاولگر اسپانیایی شد در حالی که کلیسای کاتولیک نیز آماج حملات کوبندهٔ اصلاح‌طلبانی مانند لوتر بود. ویرانی فراوان به بار آمد و بسیاری از مردم شهر که تنها جان به سلامت بردند خانه و کاشانه را رها کردند و از شهر گریختند. ولی برای کسانی که ماندند، نیاز به بازسازی و احیای اقتصاد شهر گویا همان‌گونه انگیزه‌ای را فراهم آورد که در کشورهای ویران شده در جنگهای جهانی قرن بیستم پدید آمد.

کلیسا با اصلاح خود آغاز کرد. گام نخست را روحانیان باکفایتی برداشتند مانند ایگناتیوس قدیس که جامعهٔ تبلیغی و آموزشی پرنفوذ «انجمن یسوع» (یسوعیان مشهور) را پی افکند، قدیس فرانسیسکو خاویر که از نخستین اعضای انجمن بود و برای تبلیغ راهی مشرق‌زمین شد، قدیس فیلیپّو نِری که جامعهٔ «مصلّاییان»[1] را تأسیس کرد، و قدیسه تِرسا که اصلاحاتی در جرگهٔ «کَرمَلیان» انجام داد. در سال ۱۵۴۲ پاپ پل سوم شورای سراسری کلیسا را فراخواند. «شورای ترنت» در طی حدود بیست سالی که به تناوب تشکیل جلسه داد، به تصریح و تنقیح اصول عقاید مذهب کاتولیک و تحکیم و تقنین شعایر کلیسا پرداخت. سازش با پروتستانها یا معترضان لوتری و کالوَنی و مانند آنها محال بود.

روحیهٔ گردنکشی خودباورانه‌ای که شورای ترنت را بر سر پا نگاه می‌داشت، به آن گویایی که در جبروت مسیح *واپسین داوری* میکلانژ (میکلانجلو بوئونارّوتی) به نمایش درآمد ــ که اندکی پیش از تشکیل شورا به پایان رسید ــ در هیچ نقاشی یا پیکرهٔ دیگر سالهای بعد قرن شانزدهم به چشم

---

۱. Oratorians نامشان را از Oratory یا مصلایی گرفتند که نِری در بالای کلیسا برای مجالس وعظشان ساخت.

www.ketab.ir

میکلانژ، بخش تصویرگر مسیح، واپسین داوری، ۱۵۳۶ ـ ۱۵۴۱، فرسک، نمازخانهٔ سیستین، رم.

نیامد. دلیلش این نبود که شورا در شمایل‌شکنی دست کمی از بعضی پروتستانها نداشت. به این علت بود که برخلاف آنها سعی نکرد نقاشیها و پیکره‌های مسیح و اولیا را از کلیساها بیرون بریزد. برعکس، این گونه تصویرگریها را برای آموزش مؤمنان لازم دید. ولی تأکید بیشتر بر بناها بود.

کار بازسازی کلیسای کهنسال «سان پی‌یترو» دنبال شد و گنبد آن در سال ۱۵۹۰ به اتمام رسید. کلیساهای بزرگ تازه‌ای از جمله برای یسوعیان و مصلّاییان ساختند. و در اواخر قرن در دورهٔ پاپ سیکستوس پنجم، شهر از نو به صورتی که تا امروز باقی مانده است طراحی شد ـ با خیابانهای مستقیم طویلی که نقاط اصلی شهر را در جوار کلیساهای مهم به یکدیگر وصل می‌کردند. در هر نقطهٔ اصلی یک آبفشان یا ستون سنگی هرمی باستانی قرار دادند. سیکستوس اعلام کرد که می‌خواهد رم یک بار دیگر پایتخت شایسته‌ای شود، جانشین مسیحی شایسته‌ای برای رم امپراتوری مشرکان. برای دستیابی به این هدف، یادگارهای باستانی موجود را بی واهمه جابجا کردند و یا تغییر دادند.

در اوایل قرن هفدهم دیگر نیازی به گردنکشی نبود. کلیسا پیروز شده بود و اکنون سفارشهای بسیاری برای ساخت محجر محراب و دیگر انواع آثار وجود داشت. رم دوباره قبلهٔ هنرمندان برجسته از سرتاسر ایتالیا، فروبومان[1]، فرانسه، و اسپانیا شد. بسیاری از آثار آنها درونمایهٔ دینی داشت، خواه بازتفسیر مایه‌های کهن بود و خواه پویش در مایه‌های نو مانند زندگی برخی از قدیسان اصلاح‌طلبی که پیش از این نام بردیم، مردان و زنانی که به تازگی مرده و همچنان الهامبخش بودند. در واقع بسیاری از هنرمندان خود عمیقاً مذهبی بودند. اما سفارش آثار غیرمذهبی برای تزئین کاخها و ویلاها نیز کم نبود. گویا نه هنرمندان و نه سفارش‌دهندگان منافاتی بین اعتقاد دینی و لذتجویی از مواهب زندگی نمی‌دیدند. از این رو واهمه‌ای از بهره‌برداری از گنجینهٔ اسطوره‌های به ارث مانده از مشرکان نداشتند، گنجینه‌ای که اومانیستهای دورهٔ رنسانس کشفش کرده بودند.

---

۱. Low Countries اطلاق می‌شد به نواحی کم‌ارتفاعی در شمال اروپا که اکنون کشورهای بلژیک و هلند و لوکزامبورگ را در بر می‌گیرد.

www.ketab.ir

از هنر رنسانس تا هنر باروک: نقاشی

این اساطیر شرک‌آمیز ـ قصه‌های خدایان یونان و روم باستان ـ در اواخر دورهٔ رنسانس دستمایهٔ بسیاری از نقاشیها و پیکره‌ها یا تزئینات کاخها شده بودند. یکی از این طرحهای تزئینی را رافائل با دستیارانش به سال ۱۵۱۶ در ویلای بیرون شهر آگوستینو کیجی، بانکدار ثروتمند، اجرا کرد. در اتاقی مشرف به باغ، **جشن عروسی کوپیدو و پسوخه** در مرکز مسطح سقف به گونه‌ای نقش بست که گویی پردهٔ دیوارکوبی است که به عنوان سایبان موقت در زیر آسمان صاف گشوده‌اند.

در سال ۱۵۹۵ این ویلا که اکنون به «ویلّا فارنسینا» مشهور است به کاردینال جوانی به نام اُدوآردو فارنسه رسید. او کاخ خانواده، «پالاتسو فارنسه»، در سوی دیگر رود تیبر، و مجموعهٔ نفیس تندیسهای مرمر آن را نیز که از ویرانه‌های روم باستان به دست آمده بود به ارث برد. کاردینال از آنّیباله کارّاچی، نقاش بولونیایی، خواست که سقف اتاق غذاخوری کاخ را با آنچه می‌توان همتای باروک متقدم کار رافائل به شمارش آورد تزئین کند ـ با صحنه‌هایی از زندگی خدایان به روایت اُوید.

آنّیباله با سطح بزرگ‌تری که در اختیار داشت طرحی پیچیده‌تر از طرح رافائل انتخاب کرد. او فرض کرد که به جای سقف، نرده‌ای در بالای قرنیز وجود دارد و فضای اتاق در بالای نرده باز می‌شود و حتی بخشهایی از آسمان صاف به چشم می‌آید. آسمان نقاشی شدهٔ او در هر گوشهٔ سقف دیده می‌شود. در جای دیگری معماری اتاق به گونه‌ای وانمود می‌گردد که گویی رو به بالا ادامه می‌یابد و به قرنیز بلندتر دومی می‌رسد که تنها پاره‌ای از آن به چشم می‌خورد. این تداوم فوقانی با پیکرهای کنده‌کاری شده و پنجره‌های گرد مفرغی که همه نقاشی شده‌اند و با تصویر نوجوانان برهنه‌ای که به‌رنگ واقعی بدن در حالتهایی ترسیم شده‌اند که پنداری بر روی قرنیز واقعی در مقابل نرده نشسته یا زانو زده‌اند قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد. صحنه‌های اصلی زندگی خدایان به گونه‌ای در این چارچوب ساختمانی جای داده شده‌اند که تصویرهای قاب شده‌ای به‌نظر می‌آیند.

www.ketab.ir